



کد: ۸۹۴۰۱

د کوراسیون داخلی از واقعیت تا حقیقت

علی کبیری سامانی کارشناس ارشد معماری

چکیده:

آنچنان که میدانیم هر فعلی که از انسان سرزند بابت هدف و غایتی صورت می‌پذیرد که متعالی بودن یا نبودن هدف بستگی به علم مستقر در عمل است و معماری نیز بعنوان یک فعل انسانی از این امر مستثنی نمی‌باشد و علم معمار هر چه بیشتر عمیق تر باشد عملش حکیمانتر میگردد، حال اگر علم معمار را بینش او از هستی و انسان و تقابل این دو مقوله در نظر بگیریم عملش کمیته علمی | ۱۴

کالبد و فضایی است که عرصه تعامل هستی و انسان می‌شود و تاثیر پذیری هستی از انسان، انسان از هستی ژرف تر و شگرف تر می‌شود و به معماری در بامعنی ساختن هستی انسان نقش بسزای ایفا می‌کند و معماری پنجره‌ای می‌شود که انسان از آن پنجره هستی خویش را به نظاره می‌نشیند، حال در این مجال به بخشی از معماری اشاره خواهیم کرد که در دوران معاصر بعنوان رشته دانشگاهی تدریس و تعلیم می‌شود آن رشته‌ای است به نام دکوراسیون داخلی و اهتمام، بر این سیاق خواهد بود که نقش دکوراسیون داخلی در این با معنی سازی هستی انسان را جستجو کنیم؛ و بر گواه این امر نیم نگاهی به معماری گذشته و معاصر خواهیم داشت تا روشن شود که کدامیں تفکر معمار در این با معنی سازی تاثیر گذارتر بود است.

بی‌شك معماری بر پهنه عالم طبیعت شکل می‌گیرد و قصد معمار بر این امر است که رابطه‌ای با محیط خویش برقرار کند که نوع این رابطه به ارتباط بین انسان و محیط تاثیر بسزای دارد. اگر معماری بریده از طبیعت پیرامون باشد بی‌شك انسان نیز از طبیعت منفک می‌شود و از آنرو که انسان در درون کالبد و فضا زندگی می‌کند در واقع فضاهای داخلی معماری در جداسازی انسان از طبیعت ایفا میکند.

بانگاهی به معماری گذشته و معاصر و رویت فضاهای داخلی خواهیم دید که در معماری گذشته فضاهای داخلی ارتباط قوی و تنگاتنگی با بیرون داشته‌اند و تمهیدات معمار در آرایش فضا داخلی بر این اصل بوده است که که او لا "فضا معماری دریچه ای می‌باشد برای دیدن طبیعتی که در هر زمان دارای کیفیت‌های بیشماری است و ثانیاً" فضاهای داخلی معماری زیباتر و با کیفیت تر جلوه می‌کند و در حال حاضر دکوراسیون داخلی در درجه اول برای زیبا کردن فضاهای داخلی انجام می‌پذیرد و در بعضی مواقع نادر اگر در تفکر معمار اندیشه‌ای برای بیان زیبایی‌های طبیعت باشد میتوان روزنه‌ای برای دیدن پیرامون معماری گشود. به عبارتی روشنتر هر عمل معمار در معماری گذشته در طراحی داخلی فضاهای بر این سیاق بوده است که فضای داخلی چنان پنجره‌ای باشد برای دیدن فضاهای خارجی بعنوان مثال تعییه سه دری یا پنج دری در فضاهای نشیمن یا به کار بردن در های ارسی در فضاهای زمستان نشین و قاب بندی مناظر طبیعت در کوشک‌ها و خانه‌ها و پل‌ها و دیدن پرسپکتیوهای حساب شده مناظر طبیعی؛ به کار بردن کاربندی‌ها، یزدی بندی و مقرنس‌ها در سقف فضاهای بهانه‌ای بود برای به استقبال آسمان و نور رفتن و و تنها ابزار معماری برای رسیدن به شگفتیها و خلاقیت‌ها چیزی نیست جز دنیای رمز آلد هندسه کوتاه سخن اینکه معمار رابطه فضای طراحی داخلی فضا از مجرای هندسه مهیا می‌کند که از این طریق هستی را به نظاره بنشیند و رابطه‌ای عمیق با آیه‌ها نشانه‌های طبیعت (آب، باد، خاک، آتش و....) برقرار کند در واقع معماری گذشته بهانه‌ای است برای نگاه به آسمان و معماری امروز دوختن به زمین و فراموش کردن آسمان.

کلمات کلیدی: دکوراسیون داخلی، از واقعیت تا حقیقت